

اما واگرهای قیمت جدید کندم



وحید عظیم‌نیا

دبیر گروه اقتصادی

بالاخره پس از ماه‌ها انتظار، تأخیرهای کلافه‌کننده و بحث‌های بی‌انتهای شورای قیمت‌گذاری و اتخاذ سیاست‌های حمایتی محصولات اساسی کشاورزی، قیمت خرید تضمینی گندم برای سال زراعی ۱۴۰۴–۱۴۰۵ را ۲۹هزارو ۵۰۰تومان به‌ازای هر کیلوگرم، به علاوه ۵۰۰تومان حق بیمه گندمزارها اعلام کرد که در مجموع به ۳۰هزار تومان می‌رسد. این رقم نزدیک به همان ۳۰هزارتومانی است که در یادداشت ۱۶ شهریور ۱۴۰۴ پیشنهاد کرده بودیم، اما وقتی پای واقعیت‌های زندگی کشاورزان، تورم می‌امان و هزینه‌های کمر شکن تولید به میان می‌آید، این قیمت پاسخگوی نیازها نیست و در مواردی به ناعدالتی علیه گندمکاران دامن می‌زند.

کشاورزی که از بهار چشم به راه اعلام قیمت است، حالا در نیمه مهر، وقتی زمان کشت پاییزه را راه رسیده، تازه متوجه می‌شود محصولش چه ارزشی خواهد داشت.قانون «اصلاح قانون تضمین خرید محصولات اساسی کشاورزی» مصوب سال ۱۳۹۹ با صراحت می‌گوید قیمت خرید تضمینی باید تا پایان تیرماه اعلام و طی یک هفته ابلاغ شود. این قانون برای این نوشته شد که گندمکار باندن با چه امیدی بدر در خاک بیندازد، کود بخرد یا تراکتورش را تعمیر کند، اما حالا با بیش از سه ماه تأخیر، قیمت اعلام شده و هنوز یک هفته تا ابلاغ رسمی آن زمان باقی است. این تأخیر که ظاهراً با شش جلسه کمیسیون تخصصی و چهار جلسه شورای قیمت‌گذاری توجیه می‌شود، گندمکاران را در سردرگمی نگه داشته است. کشاورزی به زمانبندی وابسته است، چه آنکه وقتی کشاورز نمی‌داند محصولش چه قیمتی خواهد داشت، چطور می‌تواند برای آینده‌اش برنامه‌ریزی کند و این یک نقض آشکار قانونی است که قرار بود سپری برای اعتماد کشاورزان باشد.

پیش‌تر رئیس بنیاد ملی گندمکاران هشدار داده بود چنین تأخیرهایی می‌تواند تولید گندم را به خطر بیندازد. طبعاً وقتی کشاورز در این مقطع حساس سال زراعی بلا تکلیف بماند، ممکن است به کشت محصولات دیگر روی بیاورد یا بدتر، کلاً از کشت دست بکشد. این ماجرا به کاهش تولید گندم منجر می‌شود و امنیت غذایی کشور که گندم ستون فقرات آن است، به خطر می‌افتد. مگر بحران جهانی گندم در جنگ اوکراین و روسیه نشان نداد بازارهای جهانی تا چه حد شکننده‌اند؟

در یادداشت ۱۶ شهریور، بر اساس واقعیت‌های زندگی گندمکاران پیشنهاد کردیم قیمت خرید تضمینی باید حداقل ۳۰هزار تومان باشد تا هزینه‌های تولید را پوشش دهد و سود متعارفی برای کشاورز به همراه داشته باشد، اما این قیمت، وقتی زیر دره‌بین واقعیت‌های اقتصادی امروز و پیش‌بینی تورم آینده قرار می‌گیرد، رنگ می‌بازد. مرکز آمار ایران نرخ تورم سالانه تیرماه ۱۴۰۴ را ۳۵/۳ درصد اعلام کرده است. تورم بخش کشاورزی، به دلیل وابستگی به نهاده‌های وارداتی مثل کود و بذر، حتی از این هم بالاتر است. قیمت کود شیمیایی در برخی موارد تا ۲۰۰ درصد گران تر شده، سوخت و نیروی کار هزینه‌های سنگینی دارند و ماشین آلات کشاورزی هم در امان نمانده‌اند. اگر قیمت ۲۰هزارو ۰۰۰تومانی سال گذشته را با تورم ۳۵/۳ درصد تعدیل کنیم، کف قیمت گندم برای امروز باید حدود ۲۸هزار تومان باشد، اما ماجرا به همین جا ختم نمی‌شود. این قیمت برای آماد آمارهای رسمی یعنی برای برداشت و فروش گندم تعیین شده است. با پیش‌بینی تورم حداقل ۳۰ درصدی در این دوره، قیمت واقعی باید به حدود ۲۲هزار تومان برسد تا کشاورز ضرر نکند و سود متعارفی داشته باشد، همان‌طور که قانون تأکید کرده است.

حالا ۳۰هزار تومان که ۵۰۰تومان آن به‌عنوان حق بیمه کسر می‌شود، چه معنایی دارد؟ این قیمت در خوش‌بینانه‌ترین حالت، هزینه‌های تولید را پوشش می‌دهد، اما سود واقعی برای کشاورز نمی‌ماند. برای گندمکاران قیمت ۲۲هزارو ۵۰۰ تا ۲۹هزارو ۰۰۰ تومان است. این ایده، گرچه در ظاهر برای تشویق تولید گندم باکیفیت‌تر طراحی شده است، اما در عمل سبست دولت را برای خرید گندم با قیمت پایین‌تر باز می‌گذارد و می‌تواند به ابزاری برای تحت فشار قرار دادن گندمکاران تبدیل بهتر از آنها هم گیرد. گندمکار، سرباز امنیت غذایی ۵۰ آمایشگاه در برابر نیاز به ۲هزار آزمایشگاه، به دولت بهانه‌ای می‌دهد تا گندم کشاورزان را به دلیل نبود امکانات ارزیابی با حداقل قیمت (۲۷هزارو ۵۰۰تومان) خریداری کند، حتی اگر کیفیت محصول بالا باشد.

این وضعیت، به‌ویژه برای کشاورزان مناطق دور افتاده که دسترسی به آزمایشگاه ندارند، ناعادلانه است و می‌تواند آنها را به سمت فروش محصول به دلالان یا حتی کاهش تولید سوق دهد. چنین سیاستی به جای حمایت از گندمکار، او را در تنگنای فشارات‌های سلیقه‌ای بهانه‌های فنی قرار می‌دهد. بدون تأمین فوری آزمایشگاه‌ها و ایجاد ساز و کار شفاف برای ارزیابی کیفیت، این طرح انگیزه تولید را تقویت نمی‌کند، بلکه به‌اهرمی برای کم کردن حق گندمکاران تبدیل می‌شود. این اقدام تنها به دولت را بیش از پیش خدشه‌دار می‌کند. اما نگرانی قدیمی گندمکاران یعنی شائبه نفوذ منافع وارد کنندگان را نباید نادیده گرفت. وقتی قیمت خرید تضمینی پایین نگه داشته می‌شود، تولید داخلی ضعیف می‌شود و بازار به دست وارد کنندگان می‌افتد. برخی کارشناسان برآورد می‌کنند که هزینه کاشت و داشت و داشت با احتساب حمل‌ونقل و هزینه‌های گمرکی، حداقل ۳۰هزار تومان به‌ازای هر کیلوگرم است. این یعنی تولید داخلی، حتی با قیمت اعلام‌شده، به‌صرفه‌تر از واردات است، پس چرا وزارت جهاد کشاورزی و شورای قیمت‌گذاری، با تأخیرهای مکرر و قیمتی که به سختی هزینه‌ها را جبران می‌کند، این شائبه را تقویت می‌کنند که منافع وارد کنندگان در اولویت است؟ تجربه جنگ اوکراین و روسیه نشان داد نمی‌توان به بازارهای جهانی اطمینان کرد. وزارت جهاد کشاورزی باید شفاف پاسخ‌دهد که آیا گندم وارداتی با کیفیت مناسب و قیمت رقابتی تأمین می‌شود؟ هزینه‌های حمل‌ونقل و گمرک چگونه محاسبه می‌شوند؟ اگر بحرانی جهانی رخ دهد، چه تضمینی برای تأمین گندم وجود دارد؟ بدون پاسخ‌های روشن، گندمکاران حق دارند احساس کنند که دولت، به جای حمایت از آنها، راه را برای وارد کنندگان هموار می‌کند.

برای جبران این کاستی‌ها، دولت باید چند کار اساسی انجام دهد. اول، قانون را جدی بگیرد و قیمتی را تا پایان تیرماه اعلام کند، تأخیرهای چندماهه دیگر قابل چشم‌پوشی نیست. دوم، بازار واری ایجاد شود که اگر تورم در زمان برداشت از پیش‌بینی‌ها بیشتر شد، قیمت خرید تضمینی تعدیل شود تا کشاورزان ضرر نکنند. سوم، دولت باید هزینه‌های تولید را کاهش دهد. وقتی کود شیمیایی یا تورم ۲۰۰ درصد به دست کشاورز می‌رسد، چطور می‌توان انتظار داشت با ۳۰ هزار تومان سود کند؟ تأمین نهاده‌های ارزان، وام‌های کم‌بهره و بهبود زیرساخت‌های آبیاری، حداقل کاری است که دولت می‌تواند انجام دهد.



۴ گزارش یک ساعده زمانی

حرکت به سوی رشد ۸درصدی با صفر شدن مالیات کسبه

مالیات «صفر» ۱۱میلیون کسبه

حسین ساسانی، کارشناس اقتصاد توسعه در گفت‌وگو با «جوان»:

تحقق رشد پایدار در گرو اصلاحات داخلی، مبارزه با فساد، بهره‌گیری از نخبگان و نهادینه‌سازی نوآوری در ساختار اقتصادی است



رضا دهشیری | جوان

■ **رشد منفی اقتصاد از در پیچه آمار**

رشد اقتصادی کشور در نیمه نخست سال جاری با افت شدید مواجه شده و بیشترین کاهش مربوط به بخش تأمین آب و برق با رشد منفی ۱/۸ درصد است، موضوعی که نشان می‌دهد به رغم تلاش‌های دولت در مدیریت انرژی، ناترازی، کمبود سرمایه‌گذاری به‌عنوان چالش برانگیز است. محدودیت سرمایه‌گذاری روند نوسازی را به تعویق انداخته، استهلاک سرمایه با افزایش داده و مانع رشد شده است. در بخش کشاورزی نیز خشکسالی و تغییرات اقلیمی موجب رشد منفی شده است. از نظر هزینه‌های تشکیل سرمایه و مصرف خصوصی نیز کاهش یافته و تنها مخارج دولت رشد مثبت ۲/۵ درصدی داشته که به رشد اقتصادی منجر نشده است، همچنین صادرات و واردات به ترتیب ۱/۱ و ۴/۹ درصد افت کرده‌اند که بیانگر رکود تولید، کاهش مصرف و کوچک شدن اقتصاد است.

■ **تعریف لایمه رشد کلیدی**

■ **برنامه جدید دولت برای رشد**

در شرایطی که اقتصاد کشور با چالش‌هایی چون تورم، ناترازی انرژی، خروج سرمایه و تحریم‌های خارجی روبه‌رو است، دولت و مجلس در همکاری با یکدیگر ملزومات مستثنایی به رشد اقتصادی ۸درصد را بررسی می‌کنند. بستر سازی برای تقویت بخش‌های تولیدی، رشد سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، افزایش صادرات، رشد بهرهوری، استفاده از مزیت‌های نسبی کشور در بخش‌های انرژی، معادن، تولیدات صنعتی، محصولات کشاورزی و فناوری از جمله راهکارهای دستیابی به رشد اقتصادی ۸درصدی عنوان می‌شود. سیدعلی مدنی‌زاده، وزیر امور اقتصادی و دارایی اخیراً در نشست با رئیس و اعضای

کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی که در محل وزارت اقتصاد برگزار شد، با تأکید بر هوشمندسازی نظام مالیاتی و گمرکی، بهره‌ررداری از منابع مردمی و طرح اعتبار ملی، از اقدامات اولیه‌ای نظیر صفر شدن مالیات ۱۱میلیون کسبه و تشکیل ستادهای توسعه منطقه‌ای به عنوان پروژه‌هایی برای حرکت به سمت تحقق رشد اقتصادی ۸درصدی خبر داد.

مدنی‌زاده با اشاره به ضرورت انتخاب دقیق پروژه‌ها در شرایط کنونی اقتصاد کشور، با اعلام اینکه شش پروژه کلیدی با هدف حداکثر بازدهی در دوره کثونی انتخاب شده‌اند، ادامه داد: این پروژه‌ها شامل هوشمندسازی نظام مالیاتی، خودکارسازی نظام گمرکی، مدیریت بهره‌برداری اجرای پروژه‌های پیشرفت در حوزه سرمایه‌گذاری، طرح اعتبار ملی برای حمایت از زوج‌های جوان در راستای سیاست‌های جوانی جمعیت و مدل‌سازی اقتصادی است.

به گفته وزیر اقتصاد این پروژه‌ها در راستای برنامه هفته توسعه برای تحقق رشد ۸درصدی اقتصاد و افزایش سرمایه‌گذاری طراحی شده‌اند.

■ **بهره‌گیری از نخبگان و نهادینه‌سازی نوآوری لازمه رشد اقتصاد**

هر چند برخی کارشناسان میزان فروش نفت و محدودیت‌های تجاری را عامل کاهش رشد اقتصادی عنوان می‌کنند، اما واقعیت آن است که پشت تقاب این دو مسئله، عوامل مهم‌تری وجود دارد. حسین ساسانی، کارشناس اقتصاد توسعه در گفت‌وگو با «جوان» گفت: رکود اقتصادی ایران ریشه در سوءمدیریت و ضعف حکمرانی اقتصادی دارد. تصمیم‌گیری‌های مقطعی، نبود برنامه‌ریزی بلندمدت و ناهماهنگی نهادی باعث شده است ظرفیت‌های داخلی به درستی به کار گرفته نشوند

۱۱میلیون کسبه مالیات صفر می‌خورند

سرویس اقتصادی ۹۰۰۲۳۸۵۲۳

حرکت به سوی رشد ۸درصدی با صفر شدن مالیات کسبه

مالیات «صفر» ۱۱میلیون کسبه

حسین ساسانی، کارشناس اقتصاد توسعه در گفت‌وگو با «جوان»:

تحقق رشد پایدار در گرو اصلاحات داخلی، مبارزه با فساد، بهره‌گیری از نخبگان و نهادینه‌سازی نوآوری در ساختار اقتصادی است

و زمینه‌فنا فراهم شود.

وی ساختار ناکارآمد نهادی و نبود نظارت مؤثر را موجب اجرای سیاست‌های غیرکارشناسی و ناپایدار عنوان کرد و گفت: این ساختار بازارها را بی‌ثبات کرده است.

ساسانی با اشاره به نقش بهره‌وری در تحقق رشد ۸درصدی اقتصاد گفت: بی‌توجهی به نظر کارشناسان عامل کاهش بهره‌وری است. این مسائل در کنار نبود سیاست صنعتی منسجم و حمایت هدفمند از تولید، بخش صنعت را رکود و تعطیلی روبه‌رو کرده است. این کارشناس اقتصاد توسعه افزود: برای خروج از رکود، باید به جای تمرکز صرف بر عوامل خارجی، به اصلاحات داخلی پرداخت. اولین اقدام مهم در کمک به رشد اقتصادی پیاده‌سازی سازوکاری برای مبارزه جدی با فساد و رانت در کشور است. ساسانی دومین مسئله مهم را به‌کارگیری مدیران و کارشناسان نخبه عنوان کرد و افزود: کشور های موفق توانسته‌اند با سرمایه‌گذاری در آموزش، پژوهش و نوآوری، رشد اقتصادی پایدار ایجاد کنند.

وی با اشاره به نقش مهم استفاده از فناوری‌های نوین در رشد اقتصادی گفت: رشد اقتصادی پایدار تنها زمانی حاصل می‌شود که جامعه توانسته باشد دانش و نوآوری را در ساختار نهادی خود نهادینه کند. ساسانی ثبات پولی را به عنوان زیربنای نوآوری عنوان کرد و افزود: کنترل انتظارات تورمی و حفظ ارزش پول ملی، زمینه سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت دانش‌بنیان را فراهم می‌کند، بنابراین بانک مرکزی می‌تواند با طراحی ابزارهای مالی نوین مسیر تأمین مالی شرک‌تها و پروژه‌های برنامه‌راه را تسهیل کند.

■ **لرزم بازسازی در سیاست‌ها**

■ **برای خروج از رکود**

در حال حاضر یکی از نقدهایی که به رشد اقتصادی ایران مطرح می‌شود، پایین بودن کیفیت آن است. وام اشتغال‌زایی طبق برخی قانون بوده است، بنابراین برای خروج از رکود، باید به جای تمرکز صرف بر بانک مرکزی می‌تواند با طراحی ابزارهای مالی نوین مسیر تأمین مالی شرک‌تها و پروژه‌های برنامه‌راه را تسهیل کند.

به گفته مهم دیگر این است که این رشد یک رشد به غایت بی‌کیفیت و به صفرهای واقع غیر از اینکه بی‌کیفیت است، بسیار اندک، نوسانی و آزرست است. به گفته وزیر اقتصاد، شدت وابستگی‌های به دنیای خارج برای هر یک واحد ارزش افزوده جدید خلق شده در دوره ۱۳۸۴ تا امروز به بالاترین و بی‌سابقه‌ترین سطح در تاریخ اقتصادی ۱۰۰ساله ایران رسیده است. ساسان مدعی است که این رشد وجه اداره کنندگان اقتصاد پرداخت شده است، زیرا در تعداد برشماری از سال‌های اخیر این رشد به ویژه در دهه ۱۳۹۰ منفی بوده است. مسئله بسیاری مردم در تأمین کردن است که به جای قالب خام‌فروشنه دار، یعنی میان‌تهی و بوچ است. بر این اساس توصیه کارشناسان بازنگری در تحلیل‌ها و بازسازی در سیاست‌هایی است که منافع معسوم مردم را تأمین کنند، بدون این الزامات بیم آحاد اقتصادی از احتمال رکود، یک بیم منطقی است.

سازمان اداری و استخدامی هم با سامانه «نشانی» مخالفت کرد

حتی یکی از نهادهای کلیدی دولت هم با این پروژه مخالف است، مشخص می‌شود که راهدانازی سامانه «نشانی» احتمالاً نتیجه لابی‌گری یا تصمیم‌گیری‌های غیرشفاف بوده است.

■ **چرا سامانه املاک و اسکان کافی است؟**

سامانه املاک و اسکان که سال‌هاست با هدف ساماندهی بازار مسکن و اجرای سیاست‌های مالیاتی فعالیت می‌کند، توانسته است اطلاعات بیش از ۸۰۰میلیون نفر را ثبت کند. این یعنی یک زیرساخت عظیم و کارآمد می‌تواند با کمی تقویت و به‌روزرسانی، تمام نیازهای مربوط به اتصال کدملی به کدپستی را برطرف کند، پس چرا باید بودجه کلانی صرف ساخت یک سامانه جدید کنیم؟ چرا باید مردم را مجبور کنیم برای خدماتی که رایگان است، پول بدهند؟ در گزارش قبلی‌مان تأکید کردیم که به جای اختراع دوباره چرخ، باید سامانه املاک و اسکان را تقویت کنیم. حالا رفیع‌زاده هم همین را می‌گوید: «سامانه املاک و اسکان ممکن است ضعف‌هایی داشته باشد، اما می‌تواند نیازها را برطرف کند.» این حرف، دقیقاً تأیید همان پیشنهادی است که به جای هزینه‌های کلان برای سامانه‌های جدید، روی بهبود سیستم‌های موجود تمرکز کنیم. یکی از نکات کلیدی گزارش قبلی‌ما، اعتراض به در یافت هزینه از مردم برای خدماتی بود که طبق قانون باید رایگان باشد. نمایندگان مجلس، مثل عضو جدید فیاضی، عمر

علی‌پور و منصور علیمردانی هم با ما هم‌نظر بودند و این اقدام سازمان پست را متخلف قانونی و فشار مضاعف بر مردم دانستند. فیاضی گفته بود: «وقتی قانون گفته این خدمات رایگان است، چرا سازمان پست پول می‌گیرد؟» علی‌پور هم تأکید کرد بود که مردم همین حالا هم با مشکلات اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کنند و نباید بار بیشتری بر دوش آنها گذاشت. حالا موضع سازمان اداری و استخدامی نشان می‌دهد این نگرانی‌ها کاملاً بجا بوده است. وقتی یک نهاد بالادستی مثل سازمان اداری و استخدامی هم می‌گوید نیاز به سامانه جدید نیست، مشخص می‌شود که دریافت هزینه از مردم برای خدماتی که در سامانه املاک و اسکان رایگان ارائه می‌شود، هیچ توجیهی ندارد.

گزارش‌ها

هادی اسماعیلی

پیرو تکلیف تسهیلات اعطایی اشتغال در قانون بودجه

نیروگاه‌های خورشیدی خانگی ناترازی برق را حل می‌کنند

تسریع در پرداخت وام اشتغال و قرارگیری کامل این‌وام با سازوکار تعبیه‌شده از سوی نهادهای حمایتی غیردولتی واسطه‌ای بین بانک و مددجو، علاوه بر تضمین بازپرداخت وام وام اشتغال، به تحقق افزایش تولید برق خورشیدی کشور و همچنین کاهش چشمگیر ناترازی منجر خواهد شد و توانان دو مشکل ناترازی و نداشتن شغل و درآمد اقشار محروم را حل خواهد کرد.

■ ■ ■

مسئله ناترازی برق در کشور ما دیگر صرفاً یک چالش معمولی نیست، بلکه به مسئله‌ای ملی و چندوجهی بدل شده است. رشد مصرف برق در دهه اخیر بیش از دو برابر رشد ظرفیت تولید بوده است. بر اساس داده‌های رسمی، در برخی از حالی‌ها گرم سال، میزان مصرف از مرز ۷۰هزار مگاوات عبور کرده، در حالی که ظرفیت تولید عملی کشور کمتر از این مقدار بوده است. این اختلاف به خاموشی صنایع، اختلال در شبکه توزیع، افزایش هزینه تولید و کاهش رفاه خانوارها منجر شده است. از سوی دیگر، با افزایش مصرف گاز در فصول سرد، نیروگاه‌ها یا کمبود سوخت مواجه می‌شوند و ناچارند از سوخت مایع استفاده کنند؛ امری که هم به محیط زیست آسیب می‌زند و هم هزینه تولید برق را بالا می‌برد، بنابراین یکی از کلیدی‌ترین راه‌حل‌های رفع این ناترازی، حرکت به سمت تنوع‌بخشی به منابع تولید و توسعه انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر است.

در کنار این مسائل در دهه اخیر، دو چالش بزرگ و هم‌زمان ناترازی انرژی در بخش سرق و گاز و لزوم ایجاد اشتغال پایدار برای اقشار کم‌درآمد و محروم جامعه پیش‌روی اقتصاد ایران قرار گرفته است، این در حالی است که بخش عمده‌ای از مددجویان کشور امکان تولید برق خانگی را با نیروگاه‌های برق خورشیدی دارند و منابع لازم برای ساخت نیروگاه نیز از طریق وام اشتغال تأمین خواهد شد و این هم‌زمانی نیاز و ظرفیت، فرصتی تاریخی را پیش‌روی سیاستگذاران قرار داده است تا با پیوند دادن برنامه‌های عدالت‌محور قانون بودجه با برنامه‌های توسعه انرژی تجدیدپذیر، هر دو بحران را به شکل هم‌افزا مدیریت کنند، بنابراین با توجه به اینکه مسئله اصلی نیروگاه‌های خورشیدی، تأمین مالی و ایجاد انگیزه اقتصادی برای توسعه این نوع نیروگاه‌هاست و در شرایطی که بودجه عمومی دولت محدود است، پیوند زدن تسهیلات اشتغال با توسعه نیروگاه‌های خورشیدی، نوعی سیاست‌گذاری هوشمندانه در استفاده از منابع محدود برای رفع چند نیاز همزمان محسوب می‌شود.

وام اشتغال مصوب در قانون بودجه که در سال‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین ابزارهای حمایتی دولت برای ایجاد شغل و درآمد پایدار تبدیل شده است، می‌تواند نقشی کلیدی در این مسیر ایفا کند. این تسهیلات که با واسطه‌گری نهادهای حمایتی نظیر کمیته امداد امام خمینی(ره) و سازمان بهزیستی پرداخت می‌شود، در قالب مدل نیروگاه خورشیدی خانگی مددجویان به بستری نوآورانه برای کاهش فقر، افزایش درآمد خانوار و رفع ناترازی برق کشور تبدیل شده است. وام اشتغال، طبق برخی قانون بودجه با هدف توانمندسازی اقشار کم‌درآمد و ایجاد فرصت‌های شغلی مولد طراحی شده است. این وام‌ها قرض‌الحسنه و دوره بازپرداخت بلندمدت، از طریق بانک‌ها و مؤسسات نهادهای حمایتی پرداخت می‌شوند. تفاوت این مدل با سایر طرح‌های اشتغال‌زایی در این است که نهادهای واسطه‌گر مانند کمیته امداد و بهزیستی، مسئول شناسایی، نظارت و تضمین بازپرداخت وام‌ها هستند. این نهادهای به دلیل ارتباط نزدیک با مددجویان، توانایی تشخیص بهتر زمینه‌های اشتغال، نیازهای واقعی و ظرفیت‌های منطقه‌ای را دارند. در سامانه‌های اشتغال، نیازهای واقعی و ظرفیت‌های منطقه‌ای را دارند. اشتغال مددجویان این نهادها بیش از سایر طرح‌های عمومی اشتغال‌زایی بوده است. گام جدید و مهمی که در سال‌های اخیر برداشته شده، هدایت هدفمند این تسهیلات اشتغال مددجویان به سمت بخش‌های پرشتان و اولویت‌دار اقتصاد است که هم نیاز کشور را در بخش‌های بااهمیت‌تر رفع می‌کند و هم موجب درآمدزایی و اشتغال پایدار برای اقشار محروم جامعه شود.

یکی از موفق‌ترین نمونه‌ها در این مسیر، استفاده از تسهیلات اشتغال برای احداث نیروگاه‌های خورشیدی خانگی است که هم نیاز کشور به برق را پاسخ می‌دهد و هم به ایجاد شغل و درآمد پایدار برای خانواده‌های کم‌درآمد منجر می‌شود.

■ **نقش نهادهای حمایتی در موفقیت طرح**

کمیته امداد امام خمینی(ره) و سازمان بهزیستی در اجرای این طرح نقش محوری دارند. آنها علاوه بر معرفی مددجویان واجد شرایط، در زمینه آموزش، عقد قرارداد با پیمانکاران معتبر نصب نیروگاه و نظارت بر حسن اجرای طرح نیز فعال هستند، همچنین با استفاده از ضمانت‌های گروhy و وثیقه‌های اجتماعی، امکان دریافت وام برای مددجویانی که به طور معمول دسترسی به نظام بانکی ندارند فراهم می‌شود.

این نهادهای در واقع نقش حلقه اتصال بین دولت، بانک و خانواده‌های محروم که تولیدکننده انرژی هستند را ایفا و از انحراف منابع وام جلوگیری می‌کنند. هر یک‌گر، اگر در سایر طرح‌های اشتغال‌زایی احتمال مصرف غیرهدفمند تسهیلات وجود داشته باشد، در این طرح، کل مبلغ وام مستقیماً برای خرید تجهیزات و نصب نیروگاه هزینه می‌شود. این شفافیت مالی و هوشمندی، یکی از عوامل اصلی موفقیت این مدل است. هر نیروگاه خورشیدی خانگی با وام اشتغال، ظرفیتی معادل پنج کیلووات دارد. هر هزار نیروگاه پنج کیلوواتی حدود پنج مگاوات ظرفیت جدید تولید ایجاد می‌کند. گسترش این طرح در مقیاس چندصدهزار خانوار، می‌تواند معادل احداث چند نیروگاه حرارتی بزرگ باشد اما مزایای و هزینه‌ها زمان بسیار کمتر و حفظ اصول امنیت انرژی و پدافند غیرعامل به پخش شدن شبکه تولید برق کشور و کاهش خطرات قطعی سراسری برق کشور منجر خواهد شد.

این مدل صرفاً نه برای مددجویان کمیته امداد، بلکه برای تمامی خانواده‌هایی که می‌خواهند هم قطعی برق نداشته باشند و هم با محل تولید برق، درآمزی داشته باشند، مدل بهینه‌ای است. قیمت برق صادراتی کشور معادل ۱۰ سنت است که با توجه به هزینه‌های انتقال حتی با قیمت فعلی خرید تضمینی نیروگاه‌های خورشیدی، برای صادرکننده معادل ۸۰درصد سودآوری دارد و در صورت پیاده‌سازی این الگو در کل کشور، ناترازی برق کشور و حتی وابستگی سوخت نیروگاهی به گاز شدیداً کاهش پیدا خواهد کرد، بنابراین مدل توسعه برق خورشیدی خانگی باید با سرعت هر چه تمام‌تر تداوم یابد.

با پایان یافتن این نکته‌ها، اگر که تسریع در پرداخت وام اشتغال و قرارگیری کامل این وام با سازوکار تعبیه شده از سوی نهادهای حمایتی غیردولتی واسطه‌ای بین بانک و مددجو، علاوه بر تضمین بازپرداخت وام اشتغال، به تحقق افزایش تولید برق خورشیدی کشور و همچنین کاهش چشمگیر ناترازی منجر خواهد شد و توانان دو مشکل ناترازی و نداشتن شغل و درآمد اقشار محروم را حل خواهد کرد.

بنابراین تسهیلات اشتغال در خدمت ساخت نیروگاه‌های خورشیدی خانگی، مصداق روشن اقتصاد مقاومتی در عمل است؛ مدلی که در آن، محروم‌ترین اقشار جامعه به تولیدکنندگان انرژی پاک و پایدار تبدیل می‌شوند. دولتی که منابع محدودی دارد، با هدایت هوشمندانه اعتبارات بانکی، هم اشتغال ایجاد می‌کند، هم از خانواده‌های مستضعف جامعه حمایت خواهد کرد و هم ناترازی برق را کاهش می‌دهد.